

پیشرفت بشر در قرن های گذشته بیش از هر عامل دیگری از دسترسی فزاینده به اطلاعات، تبادل سریع تر اندیشه ها و در بیشتر نقاط جهان از آموزش همگانی نیرو گرفته است.

آزادی تحصیل و آزادی اطلاعات از آزادی اندیشه جدایی ناپذیرند. کمتر پیشرفتی برای نوع بشر رخ داده که پی آمد نگرشی تازه به جهان و مکتب فکری نوینی نباشد.

به همین دلیل تلاش مستبدان و دیکتاتور ها در قرن بیست و یکم برای سرکوب کردن مردم خود از طریق محروم کردن آنها از آموزش یا اطلاعات به ویژه تکان دهنده است.

اما این تلاش آنها در بلندمدت نه تنها بیهوده است، بلکه این تصور را به وجود می آورد که آنها از عصری که در آن زندگی می کنند و اندیشمندان تازه ای که در میان شان هستند، می ترسند.

شاید آشکارترین نمونه این ترس امروزه محروم کردن پیروان آئین بهائی - دیانتی مسالمت جو که هیچ برنامه سیاسی ندارد و به یگانگی همه ادیان معتقد است - از آموزش عالی در ایران باشد.

در سال ۱۹۸۷ جامعه کاردان بهائی، پس از محروم شدن از ورود به دانشگاه توسط حکومت ایران به خاطر دین شان، مؤسسه آموزش عالی بهائی را تشکیل داد. شبکه ای غیر متمرکز از معلمانی که در سراسر ایران در آشپزخانه ها و اتاق های نشیمن کلاس هایی در سطح دانشگاه ارائه می کردند. استادان و مدیران بهائی را که به خاطر ایمان شان از دانشگاه ها اخراج شده بودند، جمعی از دانشگاهیان مسلمان همراهی کردند که با پشتیبانی از این شبکه و آموزش به جوانان مشاغل شان را به خطر می انداختند و حتی احتمال زندانی شدن را می پذیرفتند.

کیفیت کار درسی که توسط این استادان معتبر آموزش داده می شود، در بیش از پنجاه دانشگاه خارج از ایران به رسمیت شناخته و اعتبارش پذیرفته شده است و دانشجویان مؤسسه آموزش عالی بهائی اجازه یافته اند برنامه کارشناسی ارشد را در خارج از کشور ادامه دهند. این راه حل خلاقانه، زندگی هزاران دانشجوی بهائی را که در غیر این صورت از مشاغل با ارزش محروم می شدند، بهبود بخشیده است.

در ۲۱ مه ۲۰۱۱، مؤسسه آموزش عالی بهائی با یورش مأموران ایرانی به خانه سی بهائی مورد حمله قرار گرفت و بیش از دوازده نفر از استادان و مدیران آن دستگیر شدند. دستگیر شدگان نه رهبران سیاسی بودند و نه رهبران دینی. آنها مدرسانی در رشته هایی از جمله حسابداری و دندان پزشکی بودند که امروز با دورنمای دهه ها زندان روبرو هستند. اتهامی که علیه آنها مطرح شده، ارائه آموزش عالی به جوانان بهائی است.

سرکوب آموزش در ایران به پیروان آئین بهائی محدود نیست. جوانان ایرانی دیگر به خاطر باورهایشان یا دیدگاه هایی که مخالف جناح حاکم تشخیص داده شده - از جمله نگرش های موافق اصلاحات - از دانشگاه ها اخراج شده اند. مقامات ایرانی پذیرش دانشجوی تازه در دوازده رشته علوم انسانی - از جمله حقوق، فلسفه، مدیریت و علوم سیاسی - را در دانشگاه ممنوع کرده اند و مشغول باز نویسی مواد درسی این علوم بر مبنای تفسیر خودشان از آئین اسلام هستند. بنا به اظهار مسئولان تا ۷۰ درصد از مطالب درسی در علوم اجتماعی توسط مقامات دولتی باز نویسی خواهد شد.

به نظر ما اهمیت دارد که توجه کنیم این اقدامات نه نتیجه آئین اسلامی و نه برآمده از آن است. انسان فقط لازم است به اعصار تاریکی اروپا یا دادگاه های تفتیش عقاید اسپانیا نگاه کند تا ببیند آیت الله های ایرانی قطعاً اولین گروهی نیستند که دین را به عنوان پوششی برای سرکوب اندیشه ها و دانشی که می ترسند قدرت آنها را تهدید کند، به کار می گیرند. سنت های غنی فلسفی و هنری ایران، نقش دانشمندان ایرانی در سراسر جهان و اقدامات اعضای جامعه مسلمان که به مؤسسه

آموزش عالی بهائی کمک و از آن حمایت کرده اند، همه گواه این حقیقت است که اقدامات رهبران ایران انعکاسی از آئین اسلامی یا ایمان بسیاری از مسلمانان خیرخواه در جوامع ایرانی نیست.

و هرچند باور داریم هم از نظر تاریخی و هم در دنیای 'به هم پیوسته با خطوط ارتباطی' کنونی، سرکوب کردن تلاش برای جستجوی دانش بیهوده است، اما بسیاری افراد در ایران هستند که جان هایشان با این اقدامات مورد تهدید یا آسیب قرار می گیرد. آنها به حمایت ما نیاز دارند.

ما از جامعه دانشگاهی بین المللی می خواهیم به کمک کسانی بیایند که زندگی شان تحت این قوانین ظالمانه قرار گرفته است.

ما امضاکنندگان این نامه به ویژه از جامعه دانشگاهی بین المللی می خواهیم:

۱. از حکومت جمهوری ایران بخواهند مدرسان بهائی را که اکنون در بازداشت هستند و با اتهامات مربوط به فعالیت های آموزشی مواجه اند، بدون قید و شرط آزاد کند و آنان را از اتهامات وارده تبرئه نماید.

۲. به عنوان رهبران و مدیران و استادان دانشگاهی، به هر طریق ممکن با ابراز مخالفت و نارضایتی از هر سیاستی که افراد را بر مبنای پیشینه دینی یا باورهای سیاسی شان از آموزش عالی محروم می کند و یا هر عرصه مطالعاتی شناخته شده ای را به دلایل دینی یا سیاسی از برنامه های دانشگاهی حذف یا تحریف می کند، با جامعه دانشگاهی ایران همبستگی نشان دهند.

۳. دانشگاه های خود را تشویق کنند تا کیفیت آموزشی کار درسی مؤسسه آموزش عالی بهائی را به منظور پذیرش احتمالی اعتبار آن بررسی کنند تا کسانی که از برنامه های این مؤسسه سود جسته اند، بتوانند سطوح بالاتر مطالعاتی را ادامه دهند.

۴. حتی الامکان، برنامه های درسی دانشگاهی را به صورت آنلاین، و در صورت نیاز از طریق بورس تحصیلی، به دانشجویان ایرانی که در غیر این صورت از حق آموزش عالی محروم خواهند بود و یا به خاطر محدودیتی که حکومت بر علوم اجتماعی تحمیل کرده، به گستره کاملی از گزینه های آموزشی در کشور خود دسترسی نخواهند داشت، ارائه کنند.

از حمایت شما متشکریم.

با درود صمیمانه،

رئیس جمهور خوزه راموس هورتا
رئیس جمهور تیمور شرقی
برنده جایزه نوبل صلح در ۱۹۹۶

اسقف دزموند م. توتو، ا.م.س.گ، د.د.، ف.ک.س.
اسقف سابق کلیسای انگلیکان کیپ تاون
برنده جایزه نوبل صلح در ۱۹۸۴